

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
بخش نشریات ادواری
کتاب ۸۲ شماره ۱۸۵



صاحب چهار حاج سید رضا رضوی
محل ترویج کتابخانه شرافت
دفتره شاهنشاهی
تاریخ تحلیله ۱۳۲۵ هجری شمسی
روز جشن سال اول مجلس شورای ملی
مطابق ۲۵ ژوئیه سی و یک
عجازه هفتاد و یک تنه طبع شود

جام جم

قدحیک نموده شاهی

قدحیک ایران و ایران
در طهران ۱۲ دوازدهم
سرکار ایران ۱۵ دوازدهم
روستایه و نقاشی شده
خاک نموده یک مجدی و نم
جاذب نموده دهان فرم
اعلان دولتی با خط سیاهی
دینش

مرید این کتاب علی ادبی سیاسی اخلاقی و در تاریخ و آثار و اشعار و کتب و تفصیلات شخصی دارد و کتب و آثار عامه که
به هیچ جا و هیچ کس بر نخورد پذیرفته شود عنوان مراسلات برای هدیه اداره روزنامه جام جسم عنوان مکرر اف طهران رضوی

کیومرث



همیشه مورخین باستان ایران اول کسی که در این مملکت بر تخت سلطنت
جوسس نمود و لویای پادشاهی براخت کیومرث بود
تختین خدیوی که کشور گشود
سر پادشاهان کیومرث بود
و اول کسی است که از پیشم و ابریشم با پرچ ساخت و سنگ آهک
انداخت و جاده و مایه و بلخ و استخر از بناهای او است
شهر استخر پای تخت مملکت قرار داد و اول پادشاهی است که
زبان اندوز و بصیبت با و لاد و گمان خویش سخن سرود

از کلمات او است شادی بسیار سرشت و او خه چند کشته
کارانی پیش ران و امیران و پیش شاهی است که بنظم سپاسداری
بودند و تار و کرد و از بهر او بیایم کلاکات عجیب تر
کنند کیومرث کیه از سال قبل از میلاد مسیح و از دست مرگ
فادیس بر تخت سلطنت جوس فرمود و مایه خود را برای
سلطنت خویش بگشت اینها عیبه و مورد جنای ایران است
و فرماندهان را عیبه بر خلاف آن است



بیکل مریضی که بر وساده چاری شد هرست فزوت پیش هزار سال عمر نودین
 نام کام که بعضی از علاج او حالت باورسی دارند و برخی او را قابل علاج میدانند
 و گردی را عصبه این است که از مرد و جنه نام نامی و (ایران) است
 نام حکمای عالم و بطیبای عاقل معنی شده اند که این شخص مریض است
 بیکس در مرض او شده نموده و شکی ندارد حقی که هست در مرض او است
 که باید معلوم شود - این مریضش هزار ساله از تاریخ زایشش علی کز
 - و چه داروئی بر او سخت بوده که سبب مرض او شده - و در بار
 و نذکافی خود چند دفعه مریض شده و چند دفعه کشته نموده - و چند
 محقر شده - و در این اوقات مرض چگونه می باشد و کی معالجه کرد
 - و امروز که مستلزم برض بسیار بعضی و چهار است علاج چیست و کجاست
 و آیا قابل علاج است یا نیست ؟

بجواب آنکه عالی در این جریده بخواهیم مطالب فوق را بدین شرح درج
 آنکه در قوه خود بشیرین عظام شرح دهیم تا بهر طمان عذر
 تفصیل حال این جن مریض را که ما مطلع شوم لیکن اگر بخواهیم استبداد
 تولد او شروع نموده و امراض وارده بر او را از پیش هزار سال
 شرح دهیم تا برض حایله او برسد یقین است بشیرین کرام اینقدر خواهد
 توانستند پس ناچار باید تقریر این را بنویسیم
 و اولی و بدلیل مریضی را که اکنون مریض ما مبتدا گردیده بآن کس
 (ایران) در دفعه قبل از این مرض که نبی است تقریر دوره دوم
 مرض او قرار خواهیم داد و شرح مرض و علاج او را خواهیم نوشت

وقتی بود که بدست بر پیکر دانا و طبیب عاقل توانا که بهفت دما
 عیب آلتی از رویای خنیا یی ایران برگزید و نامش نادر بیست
 شود نادر شاه اشارت بود - آن پادشاه قادر توانا به نیروی عیش و شاد
 ملک مریض مختصرا بآنکه زمانی صحیح و سالم نموده بقوت و طبیعت
 بد نمود طوری که سالهای دراز روی بخوری نمید
 حالا به سیم این دوره صحت او که تقریر از یکصد و پنجاه سال قبل شروع
 چهار دانی بطور بارکان صحت او زد و چه اتفاقاتی بای سلامت او را
 متزلزل ساخت چه غذائی نامناسبی خورد و چه داروی بدی نوشید
 و بچشم او را مسموم کردند و کی این عداوت و دشمنی را در حق او نمود
 در صورتیکه می بینیم آن طبیب عقی قوای عصبانی مریض خود را با اندازه
 محکم نموده هیچ بهلوان رشیدی تصور نکرد که با او چه در اندازد و دم
 از برابری زند یعنی حدود ملک را بجا آئی که طبیعت قرار داده بود
 معر نمود و بر استحکامات آن محدود شده بود بقیسکه بمسایگان برض
 ذره خیال تخیلی بدان می نشست و اگر دل خیال میکرد قدرت آنکه بتواند آن
 خیال را از قلب بزبان آرزو میگرداند نگاه حیرت از دور می نمود و برجا
 خویش محکم نشسته بودند لیکن به نهایت اندیشه و خوف از آنچه بجهت در تمام
 تحصیل طمأنیان از این بهلوان رشید بودند و تعلقات می نمود و با برادر و مطبوعه
 دوستی او را جلب میکردند و بایادار منان میفرستادند و در صورت قبول نمی نمود
 چنانچه صفحات تاریخ اروپا پرست و از توصیف شهادت ایران (بیت و ده) و جلوس کردن
 قدرت بعضی بدل گردید بطوریکه لاش خود را بجهت بانی کرده اند که او را یکده تقسیم
 و معدوم صرف کنند

حاج میرزا علی ضحی خان

امامکب عظم



ایران مریض است و هر دوی عاقل لازم است که چنانچه مرض او اعلان نباشد
و ما خوب میدانیم که اطبای خارج علاج حکمت مارا یاغیوانند نمود یا نخواهند نمود
در صورتی که طبیب فرنگی نخواهیم زیرا که مکن مبتطیب فرنگی معین شویم و کمال
منابت است که مریض محض را بدست طبی تسلیم نماییم که اینسان از آن نداشتیم
پس چه باید کرد؟ باید بگویم و از اولاد مریض که بالغ بر سی که در پیش است
طبی بدانگینم مسلم است او را بدو خود را مریض نخواهد نهاد رسد با نیکو مرد
او را نخواهد - او در میان اولاد ایران است و طبی میواند و مقام معالج بر او
که به نوع طبع از حالات مرض او دانسته باشد و مزاج او را بداند و در ایران
معتدل است اگر پرسند با وجود طبعی عاقلی چرا اینطوری طبیب رجوع نمیکند
جواب بگویند مزاج خانواده مارا او بهر سبب است و در دست دارد
حالا ما باید برای مریض خوش چنین طبی بدانگینم که هم مزاج مریض مسروق باشد
و هم مرض او را بشناسد و هم مداوای آن را بداند و هم سخنواری و دلسوزی
داشته باشد و این دلسوزی بواسطه فرزندی باشد که بقای خود را در بقای
پدر بداند حالا با کمال تجربه و اطلاع و بصیرت طبیب مرض خود را با فواید و نفع
او را در صد صنفی بیشتر بکین گرام نشان دادیم
ما در ایران کبریا خیزندگان حضرت طباطبائی شرف امامکب عظم مدظله العالی
سراغ ندادیم که بتواند از عهده علاج این مریض محض برآید زیرا که گرام
لوازم این معالج در ایران و در پیشان جمع و آموخته است
علم و دانائی بسره حد کمال است

اطلاع از وضع مریض و مرض و راه علاج بهتر از این و چون مدد کسی ندارد
قدرت و جسطار که از طرف ذات اقدس مولا که شاهنشاهی ارواح شایسته

و از طرف مجلس مقدس شورای ملی سید الله گلایه ایشان حرمت گردیده است و این
عموماً بدون تشنه با نهایت حسن ظن احاطت فرمایند ایشان را فرض عین میدانند
بطوری که اگر اگر کنند کسی خود را بخاطر عیب از ایشان کمال و قرب خواهند داشت
پس طبی که جهت جامع این مساجد در آن وجود باشد بعین است از عهده معالج محض
خوب برخواید آمد مگر در صورتیکه بعضی دواعی حاکم بر اجری می باشد عاقلان ایشان را
با عرض میسکینم ای حله عظم دای ریشک عالم عظم رنج موانع نیز عهده پذیر میسکینم
ان وجود مبارک محترم است منتی برمانی را و بسبب باید رنج نمود
این عظم شریف نامادست بذیل عاطفت زده با کمال تضرع عرض می کنند که ما
از دست رفتیم و دیگر طاقت نداریم و چاره کار را محض است باینکه از وجود مبارک
نام فواید خوشی را وقف آزادی و آبادی و دوشای ما بفرمایند ما چنین
توفی را که از آن آستان داریم اجری در مقابل آن از عهده میسکینم برآمد زیرا که
در صفحات تواریخ خوشی نام نامی آن حضرت را بیدار کارا جای وطن خود
بازار کوزه ستایش درج نماییم و لیکن تا در مقابل مرد و فعال و اعمال شمارا
البه بخوبی ادا خواهند نمود

ایضاً حایف در ما هنوز فراموش نکردیم که در زمان شهادت ناصرالدین شاه
انار الله برانه که برادر نوعیم خطربود بواسطه بذل جدی که فرمودید در غل با کمال
آسایش کسی زبید سهل است بهر و خیر از قبل گردید - یک جواب صحیح دارید
خواهد فرمود از روز تا روز و شاه منصور را فی در مقابل رای من نبود و فعال
این بود که از عهده آن خدمت بخوبی برآمدیم

عرض می کنیم جوانی است با صواب مغرور لیکن توقع ما امروز این است که توفیق
خالص فرماید سلطان آبادت فی مد خواهد نمود من کانت الله کان الله

روز مجرای در عالم

کسانی که از خواب بیدار می شوند هر روز که قدم بدارند لطایع میگردانند و میگردانند
 با پاچه خیز است این روزنامه برای چیست دیگر نماند بام و دیگر می تقلید او میکند و دیگر
 و شور روزنامه را هم در آورند بیک کسی از خواب بیدار می شود هر که چنین چینی خواب کند
 امروز داریم و آنچه دست آورده ام حاصل کار صبحه حکمانی است که در جراید منتشر نموده اند و چون
 اگر روزنامه نبود صدال و دیگر از خواب غفلت بیدار نمی شدیم این است که حکمای فراموش
 هزار سال تجربه دانستند که برای قیامت هیچ خبر بعد یک روزنامه آواد از غیبت و بیخبری
 جز خواب غفلت آزادی قلم و لطایع درج کرده زیرا که ترقی حاصل خواهد کرد به
 رجوع کار صبحه و افکار صحیح خواهد شد و اوراق جراید بر
 بان شخصی که از بختی کثرت روزنامه را بخیر نیاید با کمال خیر عرض میکنیم از روزنامه
 و جریده که میخواند بطن مقدس خدمت ناید و از عده و شیوه خویش برباید کسی خواب
 خواه شاخه بیدار یا خوابید و آن جریده که میخواند از عده خدمت و عیال خویش برباید
 محقق می شود و مدوم میشود حاجت بخت نماند و انکی امروز در تمام ایران
 حد یک شهر که چک فراموشان بنور روزنامه ندایم با و آنکه کمال حسیل را ببرد
 داریم روزنامه چنانکه امروز در ایران مثل کوکب درخشان نورافشان هستند
 و چنانکه در نهایت خوبی بطن مقدس خدمت میکنند و ملت را از خواب غفلت
 بخت بیدار می کنند قابل نهایت فحید و تحسین هستند لیکن بجزایری که
 خویش را در تناسلی دانسته اند و مرغوب جریده خود را در بد کوفی دانسته اند
 بر آنها خیلی بحث داریم زیرا که در تناسلی هیچ فایده نماند

اگر چه شاید در آن جراید همین دانسته اند که در تناسلی میخواند بطن مقدس
 خدمت نمایند لیکن خط میکنند خداوند تبارک و تعالی بپیشتر خویش امر فرماید
 که کما حرف نرم بگوید فقولاً قولاً لیتنا زیرا که در قول این برآورده
 اثرش بیشتر است حالا بفرمایند بپیشم خداوند تبارک و تعالی بپیشتر خویش امر فرماید
 شعار خود ساخته و مردم را با حال قیام خویش جری نیاید محبت اینکه اگر تناسلی کردی
 و اشتباهی که گاهی چیزی از حال شما با هزار ترس و لرزی دردد و بنا کوار می شود
 و مقام ترس از این است که میباید اشتباهت بشود و او را در بد بایند شما هم که
 محصل دارید بپیشتر بگواری چیزی آورد و اگر احمقانه با و چه دوره بفرماید

انوقت پرده ناموس اوی دردد و دیگر در حال حرات هر چه پیش آید می رود و بزرگ
 از چه قبرسد از آنچه قبرسد و بد دیگر بالا ترازی با جری رکی نیست حال حال این
 که تناسلی بر داند از همین است که مردم را با حال قیام خویش جری نیاید
 این است که بدون اعدا و نماندانه با این خدمت را بعد از خویش کرده ایم با
 خویش شرط نموده که چنانکه او حلت غفلت ستار العیوب است و امر بقول این فرموده
 ما نیز تناسلی و سخت کوفی پیشه خود سازیم و این خصال خبر مرضیه را بدو دادیم
 مرد که فریاد میکند من از هوا خوانان مشروطیت و دشمن سبب اوم میگویند
 خبر تو دروغ میگوئی و مستبدستی بقدری اورا نصیب نمینماید تا لایق شود بگوئی
 مستبد مسلک ما را بر این قرار داده ام که مستبدین را با زبان نرم و لب
 استبداد ترقی بدیم و هوا خواه مشروطیت کنم هر چه فریاد کند که من مستبدم بگویم دروغ
 میگوئی و قبل از آنکه لفظ مشروطه در ایران ظهور نماید تو مشروط طلب بودی باز
 میدانم مشروط طلب شود شخصی را گفت بنزد که تو بانی هستی او بتری محبت
 می گفتند دروغ میگوئی گفت نمیرودم را میرود که از فراسیاهم کنید شما را گفت
 بنزد که اعتراف بکنم تا می خواصی که از تناسلی می فرم در طهران حاضرند و او
 مستبد جلوه میدهند و مدیران جراید سینه از آنها بپای میکنند با عقدا و خوب
 خوب میکنند زیرا که تناسلی را خواهند داد و کس برای دعای آنها قیام نموده
 و در روزات آنها مشغول رسیدگی هستند خودش میگوید من در عدا و مستبدین
 و همین اعمال خویش را دلیل قرار میدهم باز شخصی جراید دست از سر بر میدارد و چنان
 شدت دادند که جناب تناسلی با حاجت مستبدین برآورده مقدس شده معلوم
 دروغ است اگر حال تناسلی میگوید تمام حرفهای معاینه من پیشتر
 چه جواب با و خواهند گفت خدا صد کار با تناسلی و قیام با
 مقصود از مدیران جراید است که از این گفته و قیام غفلت نموده و میدانند که جری
 قوانین مشروطیت را باید رعایت همین مستبدین که شما بنوا بید از خبر انفعال میدانند
 قرار داد و نباید آنها را بجای از کار انداخت و در استبداد و قضا می داشت
 که هر کس پیشتر خواست بزد و بیافت خود را بیا بد پیشتر به استبداد خود می افزود
 پس ما میخواهیم کسی بپیشم زمان استبداد مجرم بشایم و لا که طرف علمی مبرور دارد
 بی کسانی که منظم دارند البته باید نظم آنها گوش داده و حق نموده و اینکه بگویم چون
 داری باید در صحنه روزگار باشی و نامت در عدا و دشمنان برود و در تناسلی نیست
 شرف نامک علم خبر کردیم که پیشتر کسی که خبر غفلت میخواند از تناسلی می گفت
 اگر تناسلی آنها را بیاورند و صد کار با تناسلی بکنند و در تناسلی نیست و در تناسلی نیست